



## درس آیات الأمکام استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: آیات الأحکام (خمس)

تاریخ: ۱۳۹۲/۹/۴

موضوع جزئی: معنای غنیمت در قرآن (آیه ۴۱ انفال)

مصادف با: ۲۱ محرم الحرام ۱۴۳۵

جلسه: ۸

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته:

بحث ما در آیه ۴۱ سوره انفال است که آیه اصلی در بحث ما می باشد، عرض کردیم در اینجا باید سه مطلب را نسبت به کلمه ما غنمتم در این آیه تعقیب کنیم. یک ادعا عمومیت معنای ما غنمتم نسبت به همه فواید و منافع است و ادله عمومیت باید ذکر شود. مطلب دوم ادله عدم عمومیت که بعضی از خاصه از جمله مقدس اردبیلی به آن ملتزم شده. مطلب سوم ادله ای که عامه برای عدم عمومیت اقامه کرده اند.

### ادله عمومیت معنای ما غنمتم در آیه ششم:

#### دلیل اول:

مقتضی در این آیه برای شمول ما غنمتم نسبت به مطلق فائده و منفعت وجود دارد و مانعی هم در قابل آن نیست. اما مقتضی، معنای لغوی غنیمت است، در آیه آمده؛ وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ پس برای تبیین معنا باید سراغ لغت رفت و کلمات لغویین ظهور در مطلق منفعت و فائده دارد پس از نظر مقتضی مشکلی نیست، چون معلوم شد در معنای غنیمت خصوصیت حرب و قتال اخذ نشده است.

اما مانع در اینجا می تواند یکی از این دو امر باشد: یا خصوصیت مورد این آیات است یا سیاق این آیات است، مورد این آیات غزوه بدر است، اینکه آیا مورد می تواند موجب تخصیص ما غنمتم به خصوص غنائم جنگی شود؟ معلوم است که مورد نمی تواند مخصص واقع شود. اما مشکل دوم و مانع دوم که مهمتر است مسئله سیاق است، سیاق این آیات سیاق جهاد و مقاتله است، یعنی این آیه در بین آیاتی واقع شده که مربوط به جهاد است، عمدتاً برای اختصاص ما غنمتم به غنائم جنگی به این مسأله تمسک می کنند. سیاق یعنی وقوع یک آیه در بین آیاتی که موضوع واحد دارند و باهم نازل شدند و در نزول هم زمانی دارند این آیه در ضمن آیات قبل و بعد است که مربوط به جهاد است، موضوع، موضوع جهاد است و هم زمان هم نازل شده اند، بنابراین موضوع این آیات یک قرینه می شود بر اینکه ما این آیه را نتوانیم بر ظاهرش حمل کنیم، قرینیت سیاق موجب صرف ظهور این آیه به معنایی غیر از ظاهر آیه است، ظاهر آیه این است وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ، غنمتم یعنی ما استفدتم، یعنی آنچه که شما بعنوان فائده بدست می آورید، و این ظهور در مطلق فائده دارد البته در اینجا ممکن است بعضی بگویند ما غنمتم با قطع نظر از سیاق ظهور در غنیمت جنگی دارد، ولی اینطور نیست ما غنمتم به حسب معنای لغوی مقتضی برای شمول نسبت به همه منافع را دارد اما قرینه سیاق موجب صرف این ظهور می شود، یعنی این را از مطلق منفعت به خصوص غنائم جنگی بر می گرداند، این مانع دوم است و باید ببینیم این مانعیت دارد یا نه؟

اینجا هم به نظر می رسد سیاق مانعیتی در برابر عمومیت معنای ما غنمتم ایجاد نمی کند چون اگر چه سیاق مربوط به آیات جهاد است ولی این با معنای عام هم سازگاری دارد یعنی اگر ما این را به معنای مطلق فائده بگیریم نه خصوص آنچه که در جنگ بدست می آید مشکلی ایجاد نمی شود، طبق این آیات آنچه که شما بدست می آورید و فوایدی که تحصیل می کنید، منافعی که عائد شما می شود خمسشان واجب است، جمله من جملة المنافع، همان است که در جنگ بدست آوردی، ولی اگر ما یک معنای عامی کنیم آیا این بر خلاف سیاق است؟ اگر بین قرینه و ذوالقرینه تنافی باشد ما باید در آن تصرف کنیم، اینجا مطلق منافع وقتی متعلق خمس قرار می گیرد در ضمن آیاتی که در مورد جهاد واقع شده این سیاق با آن هم سازگاری دارد، لذا سیاق مانعیتی در برابر آن ندارد.

پس در مجموع دلیل اول ما این است که مقتضی برای عمومیت معنا هست و مانعی هم وجود ندارد بنابراین نباید از معنای لغوی دست برداریم البته دلیلی اهل سنت ذکر کرده اند که ادعای حقیقت شرعی دارند و بعداً مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

### دلیل دوم:

بر فرض لفظ غنیمت به حسب کثرت استعمال ظهور در غنیمت جنگی داشته باشد و لفظ غنیمت گفته شود و ذهن متوجه غنیمت جنگی شود یعنی سلمنا لفظ غنیمت به واسطه کثرت استعمال اختصاص به غنائم جنگی پیدا کرده باشد، اما در این آیه قابل پذیرش نیست، چون در آیه به صورت فعل ماضی آمده، ما غنمتم، پس در مورد این جمله نمی توان ادعای اختصاص به غنیمت جنگی به خاطر کثرت استعمال را مطرح کرد، چیزی که کثرت استعمال در آن واقع شده در خصوص غنیمت جنگی خود لفظ غنیمت است که به صورت اسم مطرح است نه به صورت فعل ماضی، ولی وقتی فعل از ماده غنم می آید در موردش نمی توان ادعای کثرت استعمال را کرد و به واسطه کثرت استعمال بگوئیم این آیه ظهور در غنائم جنگی پیدا کرده.

### دلیل سوم:

روایاتی است که در ذیل این آیه وارد شده و دال بر عمومیت معنای ما غنمتم می کند. این روایات را در بحث معنای غنیمت در روایات بیشتر متعرض می شویم. اما روایاتی در ذیل این آیه وارد شده از جمله...

روایت؛ « مُحَمَّدٌ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ قَالَ: ... فَأَمَّا الْغَنَائِمُ وَالْفَوَائِدُ فَهِيَ وَاجِبَةٌ عَلَيْهِمْ فِي كُلِّ عَامٍ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَىٰ الْجَمْعَانِ وَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. وَ الْغَنَائِمُ وَ الْفَوَائِدُ يَرْحَمُكَ اللَّهُ فَهِيَ الْغَنِيمَةُ يَغْنَمُهَا الْمَرْءُ وَ الْفَائِدَةُ يُفِيدُهَا وَ الْجَائِزَةُ مِنَ الْإِنْسَانِ لِلْإِنْسَانِ الَّتِي لَهَا خَطَرٌ » اینجا فواید را به غنائم عطف می کند و لذا لفظ غنیمت غیر از غنائم جنگی را شامل می شود.

### دلیل چهارم:

تصدّر آیه به اعلّموا و مخاطب آن که همه مسلمین می باشند، دال بر عمومیت است، آیه به این صورت شروع می شود؛ وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ، در مخاطب «واعلموا» سه احتمال وجود دارد: یکی اینکه فقط خصوص مقاتلین در غزوه بدر باشد، دوم مقاتلین در غزوات، نه خصوص غزوه بدر، سوم عموم و جمیع مردم را شامل شود الی یوم القيامة. وجهی ندارد که واعلموا را اختصاص دهیم به خصوص غزوه بدر یا جنگها، ولی به اعتبار اینکه تصدّر آیه که نشان دهنده تأکید است، و مخاطب واعلموا

که جمیع مسلمانان است الی یوم القیامة دال بر عمومیت معنای ما غنمتم می باشد، چون اگر می خواست خصوص مقاتلین باشد معنایی نداشت که الی یوم القیامة و همه را مورد خطاب قرار دهد، یا همه را خطاب کرده مراد این باشد که غنائم جنگی متعلق خمس است، این هم در بسیاری از اوقات موضوعیت ندارد.

#### **دلیل پنجم:**

ذکر جمله خبریه و تکرار آن و حذف خبر دال بر عمومیت است. اینکه می گوید؛ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ الْبَيْتَةَ این بیشتر شاید نظر به وجوبش داشته باشد یعنی از آن استفاده می شود فواجبٌ انَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ. وَ اعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ اینجا خود حذف خبر یعنی انَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ مبتدا است که خبرش محذوف است، یعنی انَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ واجبٌ، محققٌ، از این استفاده وجوب می شود و وجهی که در اینجا ذکر کردیم یعنی می خواهد بگوید واجب است در همه آنها و چه بسا دال بر عمومیت نباشد.

#### **دلیل ششم:**

عمده این است که جمله؛ وَ اعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ با تأکید به انَّ شروع شده و ما در اینجا مای موصوله است، موصول تفسیر شده به شیء، (ما غنمتم من شیء) شیء هم مبهم است و تفسیر مای موصوله به شیء که مبهم است دال بر عمومیت معنای ما غنمتم است، اگر خصوص غنائم جنگی مراد بود معنا نداشت با این مای موصوله آن هم با تأکید بیان شود و بعد مای موصوله را با شیء که مبهم است تفسیر کنیم، پس اگر خصوص غنائم جنگی بود می گفت وَ اعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ و شیء را نمی آورد.

#### **ان قلت:**

البته گفته شده برای دفع توهم اختصاص غنیمت جنگی به خصوص ما حواه العسکر، یعنی آنچه که همراه سرباز است مثل زره و کلاه و... یا به تعبیر دیگر منقولات یا چیزهایی که با ارزش است، برای دفع این توهم «من شیء» گفته شده لذا دلیل بر عمومیت نسبت به همه چیز نیست.

#### **قلت:**

این در صورتی است که بپذیریم معنای ما غنمتم منحصر در غنیمت جنگی است ولی این اول کلام است. بعلاوه آن ابهامی که در شیء وجود دارد به حدی گسترده است که نمی توان آن را در خصوص غنیمت جنگی دانست. پس دلیل این شد، تأکید با انَّ و ذکر مای موصوله و تفسیر مای موصوله به شیء که معنای مبهمی دارد این ظهور در عمومیت دارد. در این دلیل به متن و الفاظی که در خود آیه وجود دارد استناد شده و شامل مطلق ما یغتنمه الرجل می شود و اختصاص به غنائم جنگی پیدا نمی کند.

پس در مجموع به نظر می رسد با این ادله می توانیم ادعا کنیم که منظور از ما غنمتم مطلق فائده و غنیمت است.

#### **نظر محقق اردبیلی در باره معنای غنیمت در آیه:**

اما در مقابل عرض کردیم بعضی از بزرگان از جمله مرحوم مقدس اردبیلی در زبدة البیان تقریباً شش دلیل ذکر کردند بر اینکه معنای ما غنمتم در اینجا خصوص غنائم جنگی است.

می گوید ظاهر آیه وجوب خمس فی کلِّ ما غنمتم است و غنمتم در لغت بلکه عرف به معنای فائده است بعضی روایات هم مشعر به این معنا است، مثل روایتی که در تهذیب وارد شده؛ «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قُلْتُ لَهُ وَ اعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ

فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ قَالَ هِيَ وَاللَّهِ الْإِفَادَةُ يَوْمًا بِيَوْمٍ إِلَّا أَنْ أَبِي (ع) جَعَلَ شَيْعَتَنَا مِنْ ذَلِكَ فِي حِلٍّ<sup>۱</sup>» در اینجا هی ظهور در غنائم دارد و امام(ع) ما غنمتم را در اینجا معنا می کند، امام(ع) می فرماید ما غنمتم عبارت است از فائده ای که روز به روز بدست انسان می آید خمس آن را باید پرداخت کرد. (در مورد این روایت بحث هائی است که ما فعلاً در مقام بیان بحث مقدس اردبیلی هستیم، بعضی اشکال سندی کردند و بعضی در دلالتش اشکال کرده اند به اینکه مرجع ضمیر در اینجا چیست؟ و در یوماً بیوم بحثی است که در آینده به این مطالب اشاره خواهد شد) اما اجمالاً در بخش اول کلام، مقدس اردبیلی می گوید ظاهر آیه ابتداءً و جوب خمس در مطلق غنیمت است، غنیمت هم در لغت و عرف که روایت هم مشعر به آن است عبارت از مطلق فائده است ولی ایشان می گوید؛ مع ذلک ما نمی توانیم از این آیه و جوب خمس در مطلق فائده را استفاده کنیم.

فاضل جواد در کتاب مسالک می گوید؛ از آیه نمی توان وجوب خمس را در مطلق فائده استفاده کرد، این آیه ظهور در وجوب خمس در غنائم جنگی دارد و بقیه موارد را یا از راه اخبار یا از راه اجماع باید ثابت کرد.

بحث در مفاد آیه است و عمده این است که این آیه خمس را در خصوص غنائم جنگی واجب می کند یا در مطلق فائده؟

#### بحث جلسه آینده:

محقق اردبیلی می گوید؛ این آیه ظهور در وجوب خمس در مطلق فائده ندارد، بعد یک عبارتی دارد که اشاره به شش دلیل دارد که این شش دلیل را باید ذکر کنیم و پاسخ دهیم و ببینیم این آیه ظهور در وجوب خمس در مطلق فائده دارد یا نه که در جلسه آینده انشاءالله بیان خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»